گفتگو با دکتر علی مطهری درباره طرح سوال از رئیس جمهوری

بی‌قانونی دولت سرآغاز استبداد می‌شود

محمد حسینی - علی رجبی

علی مطهری را با مواضع متفاوت‌اش می‌شناسند. کسی که از سهمیه رایحه خوش‌خدمت با همان نمایندگان نزدیک به دولت، وارد لیست تهران اصول‌گرایان و مجلس هشتم شد؛ ولی اکنون با یاران اولیه‌اش (رسایی، کوچک‌زاده، حسینیان و...) افتراقات بسیاری دارد. او پیگیر اصلی طرح سؤال از رییس‌جمهوری است و حتی در این راه، یک‌بار هم از نمایندگی مجلس استعفا داد. بی‌هیچ توضیح اضافه، گفت‌وگوی تفصیلی ما با ایشان را درباره ابتدا تا انتهای طرح سؤال از رییس‌جمهوری در ادامه می‌خوانید:

برای شروع بدنیست سابقه‌ای را از طرح سؤال از رییس‌جمهوری بفرمایید.

این مطلب را من در نطق استعفایم در مجلس توضیح دادم. ایده سؤال از رییس‌جمهوری از آن‌جا پیدا شد که ایشان درباره قانون تسهیلات ارزی برای متروی تهران و کلان‌شهرها و حمل و نقل عمومی کشور که مجلس تصویب کرده بود، در مصاحبه‌ای گفتند که من این قانون را قانون نمی‌دانم و اجرا نمی‌کنم. از این‌جا این فکر پیدا شد که مجلس اگر بخواهد در مقابل قانون‌گریزی سکوت کند، کار درستی نیست و حتما باید عکس‌العمل مناسب را نشان دهیم.

با توجه به این‌که این طرح امضاهای زیادی می‌خواست، یعنی یک چهارم کل مجلس می‌بایست نامه سؤال از رییس‌جمهوری را امضا کنند، طبیعی است که به یک پروژه بلندمدت نیاز داشت. البته آن موقع هنوز عزم ما جزم نشده بود که حتما این کار را انجام دهیم. اما پس از آن، مسائل دیگری پیش آمد که ما را گام به گام جلو برد و اراده ما را راسخ‌تر کرد، مثل حمایت ایشان از تز «مکتب ایران به‌جای مکتب اسلام» که آقای احمدی‌نژاد صریحا و علی‌رغم مخالفت‌های بسیاری از مراجع تقلید، علما، شخصیت‌های فکری و سیاسی از جمله نمایندگان مجلس، از آن حمایت کرد. بعد از آن، قضیه اجرای قانون عفاف و حجاب پیش آمد که رییس‌جمهوری در برنامه‌ای تلویزیونی به صراحت گفت که اساسا، دولت در این زمینه وظیفه‌ای ندارد و فقط باید کار فرهنگی کرد. در واقع، ایشان وظیفه دولت را در آن مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر که مستلزم اعمال قانون است، نفی کرد و این به اعتراضات زیادی منجر شد. در مصاحبه بعدی نیز هنگامی‌که خبرنگاری از ایشان پرسید که اعتراضات زیادی متوجه این سخن شما شده است، آقای احمدی‌نژاد گفت که حرف من همان است که گفتم. این امر تأثیر به‌سزایی در انحطاط پوشش اسلامی در جامعه داشت.

این هم عاملی بود که تصمیم سؤال‌کنندگان را راسخ‌تر کرد. برخی موارد دیگر، نظیر نوع برخورد رییس‌جمهوری با قانون تشکیل وزارت ورزش و جوانان که ایشان در نامه معرفی وزیر ورزش که در مجلس قرائت شد آورده بود: اگرچه ما این قانون را قبول نداریم، اما ناچار آقای سجادی را به‌عنوان وزیر معرفی می‌کنیم! (نقل به مضمون) این‌هم نوعی دهن‌کجی به قانون و جایگاه مجلس بود که عاملی برای مصمم‌تر شدن نمایندگان سؤال‌کننده بود.

نوع اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که دولت، بدون توجه به مصوبه مجلس، آن‌چه را که خودش به صلاح می‌دانست اجرا کرد، عامل دیگر بود. در نهایت، مقاومت ایشان در مقابل حکم رهبری مبنی بر ابقای آقای مصلحی در وزارت اطلاعات و خانه‌نشینی ۱۱ روزه ایشان و موارد دیگر.

مجموعه این عوامل سبب شد که ما برای سؤال از رییس‌جمهوری مصمم شویم. نظر شخص بنده این بود که سکوت در برابر این موارد، به معنی هموار کردن راه دیکتاتوری در کشور است؛ یعنی اگر در آینده، مثلا ۲۰ سال بعد، وضعی پیش بیاید که کشور ما دچار استبداد شود، مانند اتفاقی که در انقلاب مشروطه رخ داد، اگر برگردند به تاریخ، نقطه شروع این استبداد را مجلس هشتم می‌دانند. خواهند گفت مجلس هشتم در مقابل این بی‌قانونی‌ها سکوت کرد و راه استبداد هموار شد. بنابراین نباید این را مسأله کوچکی بدانیم.

برخی می‌گویند موضوع مهمی نیست، حالا رییس‌جمهوری یک حرفی زده است و گذشته‌ها گذشته؛ اما وقتی که رییس‌جمهوری مملکت حرفی می‌زند و آن را تکرار می‌کند و حتی می‌گوید که مجلس در رأس امور نیست، این در واقع هشدار است؛ هشدار به کسانی‌که به آینده انقلاب اسلامی علاقه‌مند هستند و دوست دارند که انقلاب در مسیر حقیقی خودش قرار بگیرد. با این توصیفات، ما این طرح را در مجلس مطرح کردیم و چند ماه زمان برد تا به کمیسیون‌ها ارجاع شود.

طراحان اصلی طرح چه‌کسانی بودند؟

طراح اصلی خود من بودم؛ چراکه معتقد بودم این کار ضرورت دارد و به صلاح کل نظام است. برخی نمایندگان هم این حرکت را تشویق می‌کردند و همان اوائل امضا کردند، مثل آقای مصباحی مقدم، آقای اکرمی، آقای کاتوزیان، آقای عباسپور، آقای رضا حسینی. البته سعی ما بر این بود که ابتدا امضاهای اصول‌گرایان را جمع کنیم و سراغ اصلاح‌طلبان نرویم تا حساسیت ایجاد نشود. همین‌طور افرادی مثل آقای رهبر، با توجه به دغدغه‌های فرهنگی و سؤالاتی که از رییس‌جمهوری در مسائل فرهنگی دارند، همراهی کردند. شورای داوری اصول‌گرایان با این طرح خوب همکاری کرد.

در ابتدا مقاومت می‌شد و خود مجلس هم آمادگی نداشت؛ چراکه مقوله جدید و عجیبی بود. لذا برخی آیه یأس می‌خواندند. حتی تصور برخی نمایندگان از طرح سؤال، چیزی شبیه استیضاح رییس‌جمهوری بود که ممکن است منجر به برکناری او شود یا شبیه طرح عدم کفایت سیاسی رییس‌جمهور. در حالی‌که اصلا این‌طور نیست. تمام عظمت این طرح به این است که مجلس به‌عنوان نماینده ملت، رییس‌جمهوری را احضار می‌کند و او به سؤالات و ابهامات نمایندگان پاسخ می‌دهد و مردم قضاوت می‌کنند.

در میان مخالفان این طرح، برخی طرفداران متعصب دولت بودند که معمولا عادت دارند از شخصیت‌ها بت بسازند و طبیعی است که آن‌ها تحمل چنین طرح‌هایی را نداشته باشند. این‌ها از ابتدا طرف مورد علاقه خود را قدیس معرفی می‌کنند و دور او هاله‌ای قدسی ایجاد می‌کنند که نتوان از او سؤال کرد. این گروه بیشتر در فراکسیون انقلاب اسلامی بودند. آن‌ها در ابتدا در مقابل این طرح مقاومت کرده و حتی برخی از آن‌ها این کار را یک خیانت و به‌منظور تحقیر و ضربه‌زدن به رییس‌جمهوری می‌دانستند و برای اثبات حرف‌شان اوضاع ویژه کشور را پیش می‌کشیدند. حرف بنده به آن‌ها این بود که ما همیشه در اوضاع ویژه به‌سر می‌بریم و این حرف اصلا معنا ندارد. البته شاید خود رییس‌جمهوری چنین روحیه‌ای نداشته باشد.

در نظام سیاسی ما، بین میزان اختیارات رییس‌جمهوری و اختیارات دو قوه دیگر، اختلاف زیادی وجود دارد و اساسا قدرت تصمیم‌گیری رییس‌جمهوری را نمی‌توان با قدرت دیگری مقایسه کرد.

به‌نظر شما، این یک مشکل ساختاری نیست؟ حتی، برخی کارشناسان سخنان رهبری را درباره احتمال جایگزینی نظام پارلمانی، در راستای کاهش این فاصله تفسیر کردند.

سخنان رهبری بیشتر ناظر به نبود بن‌بست در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بود و با این موضوع چندان مرتبط نیست و به‌نظرم، بیشتر یک مثال بود برای اثبات ظرفیت گسترده نظام. اما این‌که اختیارات رییس‌جمهوری بیشتر است، به‌خاطر این است که رییس‌جمهوری بالاترین مقام اجرایی کشور و مجری قانون اساسی و شخص دوم کشور است. از طرف دیگر همیشه قدرت سیاسی و اقتصادی در دولت متمرکز است و مجلس و قوه قضاییه چنین قدرتی ندارند.

این را هم باید گفت: این‌که عده‌ای زیر بار طرح‌هایی مانند سؤال از رییس‌جمهوری نمی‌روند و هنوز هم برایشان سخت است، بیشتر ناشی از یک آفت کلی است و منحصر به دولت احمدی‌نژاد نیست. متأسفانه، این روحیه در دولت‌های قبلی هم وجود داشت. یعنی اطرافیان رؤسای‌جمهوری بیشتر به بت‌سازی تمایل دارند و انتقاد از رییس‌شان برای آن‌ها سخت است. به روحیه خود رییس‌جمهوری نیز بستگی دارد که چگونه با این موضوع برخورد کند. اگر طرف دیگر همیشه قدرت سیاسی و اقتصادی در دولت متمرکز است و مجلس و قوه قضاییه چنین قدرتی ندارند.

این را هم باید گفت: این‌که عده‌ای زیر بار طرح‌هایی مانند سؤال از رییس‌جمهوری نمی‌روند و هنوز هم برایشان سخت است، بیشتر ناشی از یک آفت کلی است و منحصر به دولت احمدی‌نژاد نیست. متأسفانه، این روحیه در دولت‌های قبلی هم وجود داشت. یعنی اطرافیان رؤسای‌جمهوری بیشتر به بت‌سازی تمایل دارند و انتقاد از رییس‌شان برای آن‌ها سخت است. به روحیه خود رییس‌جمهوری نیز بستگی دارد که چگونه با این موضوع برخورد کند. در دوره آقای هاشمی هم این روحیه بود و مشخصا خود آقای خاتمی هم این افراد بودند؛ اما روحیه خود خاتمی به‌گونه‌ای بود که انتقاد را به راحتی می‌پذیرفت و لااقل در ظاهر عکس العمل نشان نمی‌داد. در دوره آقای هاشمی هم این روحیه بود و مشخصا خود آقای هاشمی خیلی تحمل انتقاد را نداشت و آن‌موقع هم اطرافیان ایشان به ایجاد قداست برای او تمایل داشتند.

مقام معظم رهبری، در سال‌های اخیر، بر مقوله وحدت میان قوا تأکید بسیاری کرده‌اند و این‌که تا حد ممکن، اختلاف و تفرقه میان سه قوه نباشد. یعنی به‌عنوان مثال، اگر رییس‌جمهوری اختلاف‌افکنی می‌کند، مجلس در مقام پاسخگویی برنیاید. می‌توان اینگونه برداشت کرد که طرح سؤال از رییس‌جمهوری به نوعی بازی در زمین اختلاف‌افکنی میان قوا است؟

این‌طور نیست، بلکه این موضوع بیشتر به نوع عملکرد ما بستگی دارد و این‌که شما این طرح را چگونه اجرا می‌کنید. یک وقت شما می‌آیید و جنجال ایجاد می‌کنید، توهین می‌کنید یا این موضوع را خیلی بزرگ‌تر از چیزی که هست جلوه می‌دهید و باعث دوری دل‌ها و افزایش اختلافات می‌شوید. این نوع اجرا روش درستی نیست. اما یک وقت شما حسن نیت دارید و می‌خواهید برخی مسائل برای شما روشن شود؛ یعنی همه دنبال حقیقت هستیم. وقتی رییس‌جمهوری می‌گوید که من این قانون را اجرا نمی‌کنم، شاید دلایلی داشته باشد؛ شاید نقص از قانون باشد یا اصلا اجراشدنی نباشد، که همین‌ها هم جواب دارد. می‌توانند با ارائه لایحه یا طرح، قانون قبلی را اصلاح کنند. در غیر این صورت، مجری باید قانون بد را هم اجرا کند. در مجموع، فکر می‌کنم اگر این طرح در فضای منطقی و به‌دور از جنجال مطرح شود، به حسن تفاهم میان دولت و مجلس منتهی خواهد شد.

از جمله موضوعاتی که در جریان پیگیری طرح سؤال از رییس‌جمهوری کمتر به آن پرداخته شده است، موضوع فشارهایی است که بر نمایندگان می‌پذیرفت و لااقل در ظاهر عکس العمل نشان نمی‌داد. در دوره آقای هاشمی هم این روحیه بود و مشخصا خود آقای خاتمی خیلی تحمل انتقاد را نداشت و آن‌موقع هم اطرافیان ایشان به ایجاد قداست برای او تمایل داشتند.

تصور برخی نمایندگان از طرح سؤال، چیزی شبیه استیضاح رییس‌جمهوری بود که ممکن است منجر به برکناری او شود یا شبیه طرح عدم کفایت سیاسی رییس‌جمهوری. در حالی‌که اصلا این‌طور نیست. تمام عظمت این طرح به این است که مجلس به‌عنوان نماینده ملت رییس‌جمهوری را احضار می‌کند و او به سؤالات و ابهامات نمایندگان پاسخ می‌دهد و مردم قضاوت می‌کنند

ذره‌بین

- سکوت در برابر این موارد، به معنی هموار کردن راه دیکتاتوری در کشور است
- اطرافیان رؤسای‌جمهوری بیشتر به بت‌سازی تمایل دارند و انتقاد از رییس‌شان برای آن‌ها سخت است. این موضوع به روحیه خود رییس‌جمهوری نیز بستگی دارد که چگونه با این موضوع برخورد کند
- این‌که عده‌ای زیر بار طرح‌هایی مانند سؤال از رییس‌جمهوری نمی‌روند و هنوز هم برایشان سخت است، بیشتر ناشی از یک آفت کلی است و منحصر به دولت احمدی‌نژاد نیست. متأسفانه، این روحیه در دولت‌های قبلی هم وجود داشت
- کسانی بودند که اصل سؤال را قبول داشتند و می‌گفتند ما پشت سر شما هستیم، منتها امضا نمی‌کنیم؛ چون در حوزه انتخابیه، دولت حساب ما را می‌رسد!
- در طول این چند ماه، کارهای عجیب و غریبی صورت می‌گرفت تا نماینده سؤال خود را پس بگیرد. مثلا نماینده‌ای را به متوقف کردن پروژه‌های عمرانی حوزه انتخابیه‌اش تهدید می‌کردند
- روحیه خود خاتمی به‌گونه‌ای بود که انتقاد را به راحتی می‌پذیرفت و لااقل در ظاهر عکس العمل نشان نمی‌داد. در دوره آقای هاشمی هم این روحیه بود و مشخصا خود آقای هاشمی خیلی تحمل انتقاد را نداشت و آن‌موقع هم اطرافیان ایشان به ایجاد قداست برای او تمایل داشتند

متن نامه سئوال از رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحیم

هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

با اهداء سلام به استناد اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی و ماده ۱۹۶ و ۱۹۷ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ضمن تقدیر از خدمات فراوان دولت در حوزه های مختلف، بدین وسیله سئوالات زیر از رئیس جمهور محترم با یکصد امضا جهت طی مراحل قانونی و روشن شدن اذهان نمایندگان محترم و رفع سوء تفاهمات و به منظور تقویت نظام جمهوری اسلامی ارائه می گردد:

۱. چرا قانون تسهیلات ارزی برای متروی تهران و کلان شهرها و حمل و نقل عمومی سایر شهرها، علی رغم نیاز مبرم این شهرها به روان سازی ترافیکی خصوصا با آغاز هدفمند شدن یارانه حامل‌های انرژی، تلاغ و اجرا نشد؟ (ارجاع به کمیسیون عمران)

نماینده سئوال کنندگان: آقای علی اکبر اولیاء

۲. وزیر ورزش و جوانان پس از پنج ماه از تلاغ قانون تشکیل وزارت ورزش و جوانان با نامه ای غیر معمول به مجلس معرفی شد؛ آیا این امر نوعی تلاش برای گریز از اجرای قانون نیست؟ (ارجاع به کمیسیون فرهنگی)

نماینده سئوال کنندگان: آقای حیدری بهبهانی

۳. طبق آمار رسمی نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۸۹ زیر ۱٪ بوده و اگر نرخ اعلام شده از سوی صندوق بین المللی پول را بپذیریم حدود ۳٪ بوده است در حالی که طبق برنامه باید حداقل ۸٪ باشد. آیا این امر حاکی از ضعف مدیریت اقتصادی کشور نیست؟ همچنین با این نرخ رشد آیا ممکن است یک میلیون و ششصد هزار شغل در کشور ایجاد شده باشد؟ (ارجاع به کمیسیون برنامه و بودجه)

نماینده سئوال کنندگان: آقای علیرضا محجوب

۴. مبلغ ۱۵۰۰ میلیارد تومان بودجه ارتقاء شاخصهای فرهنگی کشور در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ چگونه هزینه شده است؟ (ارجاع به کمیسیون فرهنگی)

نماینده سئوال کنندگان: آقای محمدجواد اصغری

۵. قانون هدفمند کردن یارانه ها پنج ساله بوده است در حالی که میزان افزایش بهای برخی حامل‌های انرژی نشان می دهد که دولت مدت اجرای آن را کمتر از ۳ سال در نظر گرفته است. در نتیجه مردم باید فشار غیر لازمی را در پرداخت بهای مثلا گاز مصرفی تحمل نمایند. همچنین سهم بخش تولید صنعتی و کشاورزی تا کنون به درستی پرداخت نشده و باعث گران تمام شدن هزینه تولید کالا و محصول گردیده است. چرا دولت مقید به اجرای قانون مجلس نیست؟ (ارجاع به کمیسیون اقتصادی)

نماینده سئوال کنندگان: حجت‌الاسلام صباغی منفرد

۶. مقاومت یازده روزه جناب عالی در مقابل حکم حکومتی رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر ابقای حجت الاسلام مصلحی وزیر محترم اطلاعات چه توجیهی دارد؟ (ارجاع به کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی)

نماینده سئوال کنندگان: آقای مصطفی رضاحسینی

۷. چه ضرورتی وجود داشت که آقای منوچهر متکی وزیر سابق امور خارجه در زمان ماموریت خود به سکال عزل شود به طوری که علاوه بر تحقیر شخصیت ایشان، نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان آسیب ببیند؟ (ارجاع به کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی)

نماینده سئوال کنندگان: آقای ظاهرت چیتچیان

۸. این سخن جناب عالی که مجلس در رأس امور نیست، چه هدفی را دنبال می کند؟ (ارجاع به کمیسیون اصل ۹۰)

نماینده سئوال کنندگان: آقای زهدی‌منش

۹. چرا جناب عالی با علم به اینکه انتقاد از برخی مجریان "قانون عفاف و حجاب" در رسانه ملی موجب کاهش اقتدار نظام در این حوزه و بدتر شدن وضع پوشش اسلامی در جامعه خواهد شد، در برنامه زنده تلویزیونی ضمن متهم کردن برخی مجریان این قانون، بر خلاف اجماع فقها بر وظیفه دولت اسلامی در آن مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر که نیازمند اعمال قانون است، با اعلام این مطلب که راه حل این مسئله منحصر به کار فرهنگی است، از دولت سلب مسئولیت نمودید و پس از مخالفت گسترده مراجع تقلید، ائمه جمعه، علمای بلاد و نمایندگان مجلس با سخنان شما، در مصاحبه زنده تلویزیونی بعدی اعلام کردید که سخن من همان است که گفتم. این رفتار شما چگونه توجیه می شود؟ (ارجاع به کمیسیون فرهنگی) / نماینده سئوال کنندگان: حجت‌الاسلام رهبر

۱۰. چرا نظریه "ترویج مکتب ایران به جای مکتب اسلام" را که توسط رئیس دفتر شما بیان شد علی رغم ضدیت با مبانی انقلاب اسلامی و مخالفت قاطبه مراجع عظام تقلید و علمای بزرگ و دلسوزان نظام، تایید و بر آن تاکید نموده باعث تنزل جایگاه انقلاب اسلامی و زنده شدن تعصبات قومی در میان مسلمانان و سوء استفاده مخالفان وحدت اسلامی گردیدید؟ اصولا چرا از گروه موسوم به "جریان انحرافی" علنی رغم هشدار و اعلام خطر علمای بزرگ اعلام برائت نمی کنید بلکه از این افراد دفاع می نمایید؟

(ارجاع به کمیسیون فرهنگی)

نماینده سئوال کنندگان: علی مطهری (تهران)

متن سئوال از رئیس جمهوری که برای اولین‌بار در هفته‌نامه پنجره انتشار می‌یابد